

داستان های دیپلماتیک

نخبة فنی صفوة

ترجمه

سید حسین فاطمی نژاد



ق.م. ۱۳۹۰



داستان های دیلمتیک

نخده فتحی صفوة

مترجم : سيد حسين فاطمي نژاد

ناشر : نشر حبيب

نوبت و سال چاپ : اول ، ۱۳۹۰ شمسی

چاپ : عترت

شمارگان : ۲۰۰۰

شابک : ۳ - ۸۳ - ۶۱۱۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

Safwat, Najdat Fathi

صفوة، نجدة فتحی

حکایات دیپلماتیک فارسی

داستان‌های دیپلماتیک / نجدة فتحی صفوة؛ مترجم: سید حسین فاطمی‌نژاد.

قم: نشر حبیب، ۱۳۹۰. ۳۴۴ ص. مصور.

ISBN : 978 - 964 - 6119 - 83 - 3

بشت جلد به انگلیسی:

Diplomatic Stories

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستان‌های کوتاه عربی -- قرن ۲۰ م. ۲. دیپلمات‌ها -- سرگذشتنامه

الف. فاطمی‌نژاد، سید حسین، ۱۳۶۲ - ، مترجم ب. عنوان

نشر حبیب. ۱۳۹۰

۸۹۲/۷۲۶ PJA ۴۸۷۴ / ۹۴ ق ۸۰۳۳ ۱۳۹۰

۲۵۰۱۴۶۷ کتابخانه ملی ایران

نشر حبیب

قم - صندوق پستی : ۳۷۱۸۵ / ۷۹۱

تلفن : ۳۷۳ ۷۷ - ۲۵۱

همراه : ۹۱۲۷۴۷ ۴۵ ۷۲

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. ©

www.habib-pub.com

E-mail: info@habib-pub.com

فهرست مطالب

۷	● دربارهٔ مؤلف
۹	● مقدمه
۱۷	● شکسپیر و کاردار شوروی
۳۵	● فینهٔ عبدالملک حمزه
۵۱	● شهیدی در تبریز
۵۹	● دریاچهٔ قو
۷۵	● افعی در سازمان ملل متحد
۸۱	● برکناری یک دیپلمات
۸۷	● زرنیخ برای خانم سفیر
۹۹	● سخنرانی خدا حافظی
۱۰۷	● بر ساحل نیل
۱۱۷	● خروشچف و کفشش
۱۴۳	● سفیر قاچاقچی
۱۶۳	● عاشقی در ورشو

کتابخانه‌ها و پژوهشگاه‌های انگلیسی استفاده کرده است. البته تنها به بررسی و ترجمه اسنادی که مربوط به عراق می‌شد بسنده نکرد بلکه اسنادی را هم که درباره جزیره العرب و کشورهای حوزه خلیج فارس بود، بررسی و ترجمه کرد.

فتحی صفوة به علت داشتن ذوق ادبی و ممارستی که برای یادگیری ادبیات عرب در دوران جوانی به خرج داده بود، از قلم بسیار خوب و روانی برخوردار بود. همچنین علاوه بر تاریخ‌نویسی روزنامه نگاری هم می‌کرد.

وی به مدال‌ها و نشان‌های افتخار بسیاری دست پیدا کرد، از جمله نشان «تاریخ‌نویس عرب» را از اتحادیه مورخان عرب دریافت کرد. همچنین ملک عبدالله اول پادشاه اردن در سال ۱۹۵۰ «مدال استقلال» این کشور را به وی تقدیم کرد.

وی دارای تألیفات متعددی است که از میان آنها می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «اليهود والصهيونية في علاقات الدول الكبرى»، «العراق في مذكرات الدبلوماسيين الأجانب»، «الماسونية في الوطن العربي»، «وزارة الخارجية الإسرائيلية و كيف تعمل»، «العرب في الإتحاد السوفيتي و دراسات أخرى» و «الجزيرة العربية في الوثائق البريطانية».

فتحی صفوة در سال ۱۹۷۹ م تصمیم گرفت برای زندگی کردن به لندن برود و تا کنون در آنجا ساکن می‌باشد.



مقدمه

در تمام پایتخت‌های دنیا، گروه اندکی از بیگانگان وجود دارند که در فضای ویژه‌ای زندگی می‌کنند و از جایگاه و موقعیت اجتماعی خاصی برخوردارند؛ موقعیتی که دیگران از آن بی بهره‌اند.

این گروه همچون دسته‌ای از پیرندگان مهاجر هستند که پاره‌ای از شرایط آن‌ها را برای مدت زمان مشخصی در یک جا گرد هم آورده است. جایی که این گروه بیگانه در آن جمع شده‌اند، گاه مکانی دلنواز، زیبا، خوش آب و هوا و دارای همه نوع اسباب آسایش و سرگرمی است و گاه مکانی بد آب و هوا و باز مانده از قطار تمدن، و دارای شرایط زندگی بسیار سخت و طاقت فرساست. هر کدام از این دو حالت که باشد، اعضای این گروه باید با مردم آن کشور همزیستی داشته باشند و صبر پیشه کنند تا هنگامی که زمان مشخص فرا برسد و مدت مأموریت آن‌ها در آن جا پایان یابد و کشوری را که در آن به سر می‌برند یکی پس از دیگری ترک کنند، خواه از ترک آن جا ناخرسند باشند یا نه، و رحل اقامت

در محلّ جدید بیفکنند، گاهی امکان دارد وضعیّت زندگی در محلّ جدید بهتر از جای قبلی باشد و گاهی نه.

هرچقدر محیطی که این گروه مهاجر در آن به سر می‌برند کوچک باشد و یا در آن امکان ارتباط برقرار کردن با ساکنان اصلی آن سرزمین - به دلیل ترس از بیگانگان یا احساس تنفّر از آن‌ها - کم باشد اعضاء این گروه بیشتر با یکدیگر رابطه برقرار کرده و با هم مأنوس می‌گردند اما هر چه محلّ اقامت آنها بزرگ‌تر بوده و وسایل سرگرمی مهیّاتر باشد، یا این که دولتمردان آن جا از سیاست باز پیروی کنند و ساکنان سرزمین از آزادی فردی بهره‌مند باشند و بتوان با آن‌ها اختلاط کرد، در چنین شرایطی جمع این گروه مهاجر از هم پاشیده می‌شود و یکپارچگی آن‌ها از هم گسیخته می‌گردد، مگر به اندازه‌ای که مناسبت‌های ضروری و مراسم‌های رسمی ایجاب کند.

در طول سالیان سال، پندارهای نادرست و دور از واقع از این گروه مهاجر در ذهن مردم نقش بسته است، تا جایی که به نظر بسیاری از افراد، این گروه طبقه‌ای ممتاز، نازپرورده و مرفه‌اند که کم کار می‌کنند و بیشتر به خوش‌گذرانی می‌پردازند و از امتیازات ویژه‌ای بهره‌منداند؛ آنان زندگی‌شان را در جشن‌ها می‌گذرانند و به کارهای بیهوده می‌پردازند.

با این حال مردم کشور میزبان چاره‌ای جز پذیرش این افراد در میان خودشان و سکوت در برابر عملکرد و رفتارهای گاه ناراحت کننده آن‌ها

نمی‌بینند، هر چند که نظارت آن‌ها که گاه از دهانشان می‌آید

و احساسشان را در مورد افراد این گروه نشان می‌دهد.

این گروه که اعضای آن دارای ظاهری متفاوت هستند و از وطن خود دور افتاده‌اند و زبان و قومیت‌های مختلفی دارند و دیگران نیز دید خوبی در مورد آن‌ها ندارند، همان «هیأت دیپلماتی» است. زندگی اعضای این هیأت در نقل مکان از یک کشور به کشور دیگر و از یک قاره به قاره دیگر می‌گذرد؛ در حالی که خانواده، وسایل و مشکلاتشان را نیز به همراه دارند و هنگامی که در پایان این سفرها به کشورهایشان باز می‌گردند خود را در کشورشان نیز غریب می‌یابند و خانواده و خویشان‌شان متفرق شده و دوستان‌شان پراکنده شده‌اند. چهره شهرها و مردم کشورشان برای آن‌ها تغییر کرده است و بسیاری از آن چه را که در سابق با آن برخورد کرده بودند غریب و ناآشنا می‌یابند و به بی‌ارزشی بسیاری از آنچه در غربت آرزوی آن را داشتند پی می‌برند. این افرادی از گذراندن سالیان متمادی در غربت عادت‌هایشان تغییر می‌کند و طبع و ذائقه‌شان نیز عوض می‌شود؛ بنابراین، به یک مجموعه ناراحت تبدیل می‌شوند که هم در خارج غریب هستند و هم در کشورشان و هم بیگانگان به آن‌ها حسادت می‌ورزند و هم، هم میهنانشان.

زندگی این گروه مهاجر، براساس ماهیت شغلشان که از قدیمی‌ترین شغل‌هاست، مملوّ از حوادث باور نکردنی، اتفاقات عجیب، مشکلات گوناگون، صحنه‌های خارق العاده و رخداد‌های ناراحت کننده و مسائل دردآور است.

«پیرو کورانی» سفیر ایتالیا - در خاطراتش، دیپلماسی را صندلی درجه یک تئاتر زندگی توصیف می‌کند، این توصیف زمانی درست است که فرد دیپلمات صرفاً تماشاچی حوادثی باشد که به صورت پی در پی رخ می‌دهد و فقط نظاره‌گر تاریخی باشد که دیگران رقم می‌زنند، اما در زندگی یک دیپلمات مواردی وجود دارد که او قهرمان ماجرا بوده یا خود موضوع داستان است. او دیگر این بار خود را بر صندلی درجه یک راحت نمی‌یابد، بلکه در وسط صحنه قرار گرفته و از همه طرف نور بر او تابانده می‌شود و دیدگان به او خیره شده است.

این کتاب در بر دارنده مجموعه داستان‌هایی است که در صحنه زندگی به نمایش در آمده است و بازیگران آن دیپلمات‌هایی بوده‌اند که دست سرنوشت آن‌ها را از صف تماشاچیان جدا کرده و در وسط صحنه نمایش قرار داده و به هر کسی نقشی داده است. برخی از این نقش‌ها شرافتمندانه و برخی دیگر خفت‌بار است. برخی از این داستان‌ها خوش فرجام بوده و به خوبی و خوشی ختم می‌شود و برخی دیگر فرجام بد و پایان دردناکی دارند.

همه این داستان‌ها واقعی هستند و هیچ چیز خیالی به آن‌ها افزوده نشده و در واقعیت ماجرا دست‌کاری نشده است. این داستان‌ها براساس زندگی برخی دیپلمات‌ها که نام آن‌ها را عیناً ذکر کرده‌ام اتفاق افتاده است. من با برخی از این دیپلمات‌ها شخصاً آشنا بوده‌ام و یا خبرهایی را

که در مورد آن‌ها بود خوانده‌ام. گذشته آنرا از یاد نگذاشته‌ام.

را که دربارهٔ آن‌ها به صورت جسته و گریخته وجود داشته از این‌جا و آن‌جا جمع کرده و به آن‌ها انسجام بخشیده‌ام؛ اما در این شیوه نه به قواعد داستان نویسی اجازه داده‌ام تا حقایق ماجرا را دگرگون کند و نه حقایق تاریخی و وقایع خشک و بی روح میدان یافته‌اند تا کل ماجرا را بپوشانند و صورت داستانمان را بد جلوه دهند.

همان‌گونه که «سامراست موام» گفته، «حقایق زندگی» راوی پستی برای داستان‌هاست؛ چرا که این حقایق داستان را سرسری آغاز می‌کند سپس بی هدف به وقایع داستان می‌پردازد و بدون داشتن چارچوب مشخص و طرح از پیش تعیین شده‌ای سردرگم پیش می‌رود و بدون آن که داستان پایان مشخصی داشته باشد و سازمان یافته باشد آن را خاتمه می‌دهد و یا رها می‌کند. از این رو «حقایق» چیزی جز مادهٔ خام برای داستان نویس محسوب نمی‌گردد، برای نوشتن داستان، این مواد خام ضروری هستند و او باید بررسی کند تا به آن‌ها دست یابد، اما این برای کار او همه چیز نیست و یافتن این حقایق آغاز مأموریت اوست و نه پایان آن و او باید آن‌ها را سیاخته و پرداخته کند و اضافات و اشکالاتش را برطرف نماید.

و دوباره آن‌ها را با توجه به همهٔ جوانب، در قالبی مناسب در بیاورد که دارای انسجام و وحدت موضوع باشد و به آن عنصر تشویق و غافلگیری نیز بیفزاید البته در هر حال نباید داستان تخیلی شود بلکه باید واقعی باقی بماند و همخوانی خود را با قوانین طبیعت

معدودی رخ داده و یا این رخدادها بیشتر برای دیپلمات‌هایی از کشورهای معدودی به وقوع پیوسته است، این مسئله به این علت است که این پایتخت‌ها و کشورها جاهایی هستند که مؤلف کتاب بیشترین سال‌های خدمتش در کار دیپلماتیک را در آن‌جاها گذرانده است، از این رو طبیعی است که بیشترین رویدادهایی که مؤلف شاهد آن بوده و وقایعی که به آن‌ها توجه نشان داده و خاطراتی که آن‌ها را مثبت ارزیابی کرده است، ماجراهایی باشد که در این کشورها و یا برای دیپلمات‌های این کشورها رخ داده باشد.

هر چند که این داستان‌ها توجه دیپلمات‌ها را بیش از دیگران به خود جلب می‌کند، ولی من آن‌ها را برای عامه مردم نگاشته‌ام و یکی از اهدافی که برای این کار مدنظر داشتم، از بین بردن پندار نادرستی است که درباره دیپلمات‌ها شکل گرفته است تا دیگران نیز با دیپلمات‌ها در برخی مشکلات و رنج‌ها همدردی کرده، تا حدی در خوشی‌ها و ناراحتی‌های آن‌ها خود را شریک بدانند.

بغداد ۱۰ ژوئن ۱۹۶۹

ن.ف.ص